

کتاب

درآمد سرشار
امارات از
تجارت با ایران

بتدریج خود اماراتی‌ها نگران شدند. در همین گیر و دار یک روز وزیر اقتصاد، وزیر بازرگانی و رئیس بانک مرکزی امارات بدون دعوت قبلی به تهران آمدند و با من، بهمنی و غضنفری ملاقات کردند. برآیند صحبت‌های آنها این بود که می‌خواستند روابطشان را با ایران دوباره مانند قبل از سر بگیرند و به نوعی از ما دلجویی کنند.

به هر حال اماراتی‌ها خوب می‌دانستند از تحریم علیه ایران متضرر خواهند شد. چرا که امارات در طی سالیان متمادی برای تجار ایرانی به یک واسطه خدمات بازرگانی در تجارت بین‌الملل تبدیل شده بود.

به فرض، تاجر ایرانی وقتی می‌خواهد کالایی را حتی از آمریکا وارد کند در امارات دفتری دایر کرده و کارهایش را از آنجا انجام می‌دهد. البته خود این مسأله برای اقتصاد ایران مشکلاتی در راستای عدم شفافیت ایجاد می‌کند. از طرفی از این راه، درآمد سرشاری برای اماراتی‌ها حاصل می‌شود.



در سال‌های گذشته تلاش‌هایی صورت گرفت که در برخی از کشورها، پالایشگاه‌هایی ساخته شود که با مسائل تحریم‌ها همزمان شد. اگر خاطرتان باشد یکی از کارهایی که با ورودم به وزارت اقتصاد پیگیری کردم این بود که رینگ صادرات محصولات پتروشیمی را در بورس کیش راه‌اندازی کردیم. باز قبل از اینکه این تحریم‌ها شکل بگیرد بحث گره‌زدن سرمایه‌گذاری در صنعت نفت یعنی بخش تولید به تجارت نفت را مطرح کردم و پیگیر راه‌اندازی بورس نفت بودم که به شدت در مقابل این ایده مقاومت و مخالفت می‌شد. حتی اگر یادتان باشد برای

عرضه نفت در بورس کالا، تا حدی جلو رفتیم، حتی یک محموله نفت هم عرضه کردیم

یعنی نامه‌ای که در رسانه‌ها مطرح شد همین است؟

بله همین است؛ کپی نامه را به شما می‌دهم. هیچ ربطی هم به فروش نفت توسط کسی ندارد بلکه به بانک مرکزی اجازه داده است بنا به درخواست شرکت نیکو، ارز مورد نیاز را در هالک بانک ترکیه به حساب «Fiib» مستقیماً واریز کند، یعنی موضوع این نامه نقل و انتقال پول است. فرض کنید این متن یک مصوبه باشد که چنین نیست، چون مراحل تصویب آن طی نشده است، کجای آن تأیید بایک زنجانی برای

فروش نفت است.

ضمن اینکه نیکو که این اجازه به آن داده شده یک شرکت متعلق به شرکت نفت است. اینجا یک مسأله داخلی بین شرکت نیکو و وزارت نفت و بانک مرکزی وجود دارد. از سوی برخی گفته شد بانک Fiib متعلق به بایک زنجانی است. اما طبق بررسی‌هایی که صورت گرفت در آن تاریخ، ۶۰ درصد این بانک متعلق به بانک ملت ایران و در کنترل این بانک بوده است.

گویا زنجانی بعداً این بانک را خریده است. از اینها که بگذریم امضاهای این پیش‌نویس کامل نشده بود، یعنی امضای ۴ نفر هست اما امضای ۳ نفر دیگر وجود ندارد.

تأکید می‌کنم تصمیمات این کارگروه طبق مصوبه شورای امنیت ملی پس از تأیید رئیس‌جمهور، اعتبار پیدا می‌کند اما این متن به امضای آقای احمدی‌نژاد هم نرسیده است. هیچ‌گاه این متن به صورت مصوبه هم ابلاغ نشده است.

دلیل پنهان آسیب‌پذیری اقتصاد ایران از تحریم‌ها

مبادلات ارزی ما ناخواسته به پول امارات ارتباط پیدا کرد و این وابستگی در شرایط تحریم خود را نشان داد

سیاسی است.

پس داستان این نامه معروف که برخی مدعی بودند شما به همراه آقایان قاسمی، غضنفری و بهمنی به بایک زنجانی اجازه داده‌اید نفت ایران را بفروشید این است.

بله، من کپی متن را در اختیار دارم، به شما می‌دهم تا آن را در این مجموعه منتشر کنید. ولی متأسفانه این برخوردها نشان می‌دهد کسانی که با مصاحبه‌هایشان این داستان را به سمت و سوی دیگری برده و شائبه‌هایی ایجاد کردند دنبال سیاسی کردن این پرونده بوده و راضی نیستند این پرونده مسیر معمول قضایی خود را طی کند.

سؤالی که شبیه بسیار زیادی

در میان افکار عمومی ایجاد کرده، فروش نفت در دولت دهم توسط افراد مختلف است. آیا در زمان تحریم‌ها، بجز دولت، کس دیگری نفت می‌فروخت؟

اساساً یکی از مسائل و موضوعاتی که رئیس‌جمهور و خود من دنبال می‌کردیم این بود که ما تجارت نفت را در کشور شفاف و کارآمد کنیم. به یاد دارم زمانی که آقای علی‌آبادی سرپرست وزارت نفت بود به او گفتم: «واقعاً برای من عجیب است که شرکت نفت با تلفن نفت می‌فروشد.

علی‌آبادی لبخندی به من زد و گفت: «کاش با تلفن نفت می‌فروختند با تلفن از آنها نفت می‌خرند.»

یا آقای رستم قاسمی به‌عنوان وزیر نفت می‌گفت: «شاید قدیمی‌ترین و ناکارآمدترین سیستم فروش نفت در دنیا متعلق به ایران باشد. حتی کشورهای عربی که به کاهلی معروف هستند خودشان در کشورهای مختلف پالایشگاه زدند و نفت خام خودشان را در این پالایشگاه‌ها تصفیه کرده و از آنجا بنزین را با قیمت بالا می‌فروشد. ولی بعد از گذشت چند دهه از ایجاد شرکت نفت در ایران، ما حتی یک پالایشگاه در خارج از کشور نداریم. نفت خام می‌فروشند و بنزین و فرآورده وارد می‌کنند.»

البته در سال‌های گذشته تلاش‌هایی صورت گرفت که در برخی از کشورها، پالایشگاه‌هایی بسازیم که با مسائل تحریم‌ها همزمان شد. اگر خاطرتان باشد یکی از کارهایی که من با ورودم به وزارت اقتصاد پیگیری کردم این بود که رینگ صادرات محصولات پتروشیمی را در بورس کیش راه‌اندازی کردیم. باز قبل از اینکه این تحریم‌ها شکل بگیرد بحث گره‌زدن سرمایه‌گذاری در صنعت نفت یعنی بخش تولید به تجارت نفت را مطرح کردم و پیگیر راه‌اندازی بورس نفت بودم که به شدت در مقابل این ایده مقاومت و مخالفت می‌شد. حتی اگر یادتان باشد برای عرضه نفت در بورس کالا، تا حدی جلو رفتیم، حتی یک محموله نفت هم عرضه کردیم.

که به سرانجام نرسید؟

دلیلش این بود که خریداران می‌گفتند: «شرایط عرضه کاملاً نقدی به صرفه نیست. من همان موقع نیز می‌دیدم که نفت به خارجی‌ها به صورت اعتباری ولو کوتاه‌مدت چند ماه فروخته می‌شود. اینکه شما می‌پرسید آیا دولت به کس دیگری نفت می‌فروخته یا نه؟ باید در ابتدا مشخص کنید که منظورشان از دولت چه کسی است؟ دولت یک تعریف عام و یک تعریف خاص دارد. اگر منظورشان وزارت نفت است، فروش نفت توسط یک مدیریت در شرکت نفت صورت می‌گیرد.

